



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۳۱
جمعه ۸ مرداد ۱۴۰۰ - ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۱

نیروهای سرکوب هم نمیتوانند حکومت اسلامی را نجات دهند!

محسن ابراهیمی



سران خوزستان اتحاد اتحاد



شماره صفحه:

در این شماره انترناسیونال:

۱ و ۲ نیروهای سرکوب هم نمی توانند حکومت اسلامی را نجات دهند!

محسن ابراهیمی

۳ همه دستگیرشدگان اعتراضات و کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد

شوند! حزب کمونیست کارگری ایران

۴، ۵ و ۶ فروپاشی یا انقلاب؟ گفتگوی کانال جدید با حمید تقوانی لیدر

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ تونس، ده سال بعد از انقلاب یاس. شهاب بهرامی

۸ ازدواج کودکان محصول توحش اسلامی. عبدال گلپریان

۹ از غریبه ها در تظاهرات آب نمیگیرم. نوشته ای درباره امنیت مینا احدی

۱۰ قرار در مورد رفع تبعیض زبانی، مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۱ از مدیای اجتماعی حزب

۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶

اطلاعیه های حزب

از ایدئولوژی تا اجبار اقتصادی!

مظلوم فلسطین در مقیاس جهانی و ادعای استقرار عدالت برای "مستضعفین" در خود جامعه ایران، جامعه ای برای عدالت و آزادی انقلاب کرده بود.

جمهوری اسلامی چه برای تثبیت اولییه اش و چه بعدا برای بقای سیاسی، همیشه در سه عرصه ایدئولوژیک، سیاسی و سرکوب سخت، فعال بوده است. عرصه ایدئولوژیک و سیاسی این حکومت، در کنار هم به موازات هم و در ارتباط متقابل با هم عمل کرده اند اما امروز نه تنها خاصیت خود را از دست داده اند بلکه به ضد خود تبدیل شده اند.

هر چقدر از عمر حکومت اسلامی بیشتر گذشت و بیشتر معلوم شد که هیولای حاکم نه به درد و رنج مردم فلسطین مربوط است و نه به عدالت و آزادی در ایران، هر چقدر بیشتر معلوم شد که برعکس، این هیولا تجسم یک مافیای تمام عیار اقتصادی و سیاسی است، زیر پای توجیه سیاسی برای حقانیت دادن به ایدئولوژی اسلامی و اسلام سیاسی هم تماما خالی شد.

منظور از عامل ایدئولوژیک برای تثبیت و بقا، تلاش تبلیغی حکومت اسلامی برای شکل دادن و بسیج و سازماندهی نیروهای وفادار و فداکار برای اسلام و نظام اسلامی است. نیروهایی که حاضرند در دفاع از حکومت خدا بر زمین، حکومت نایب امام زمان، به مصاف دشمن یعنی توده های عاصی و معترض بروند. در سالهای بعد از شکست انقلاب ۵۷ توسط اسلام سیاسی، حکومت می توانست روی چنین نیروهایی حساب باز کند و کرد. اما همان وقت هم، حکومت اسلامی ناچار بود برای بسیج ایدئولوژیک از میان اقشار عقب مانده و مذهبی و همچنین اقشار محروم متوهم، توجیحات سیاسی فراهم کند. برای مثال، دو وجه از این توجیحات سیاسی اینها بودند: ادعای دفاع از مردم

مدتهاست که حکومت اسلامی دیگر نه تنها نمیتواند در قلمرو ایدئولوژیک و سیاسی ابزاری برای بقا دست و پا کند، بلکه خود این دو عرصه میدانی برای تحرک سیاسی علیه حکومت تبدیل شده اند و نهایتا سرکوب سخت و مستقیم تنها ابزاری است که حکومت امیدوار است و تلاش میکند برای بقای خود، برای مقابله با جنبش سرنگونی به کار برد. ابزار سرکوب مستقیم هم به سرعت کارایی

ادامه در صفحه ۲

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی



ادامه از صفحه ۱

خود را از دست می‌دهد. در این مطلب روی همین موضوع تمرکز میکنیم.

تصویری کوتاه از نیروهای سرکوب!

در کنار اطلاعات و دستگاه قضایی و تبلیغاتی و صدا و سیما و زندان و اعتراف‌گیری که بخش مهمی از کل دستگاه سرکوب حکومت هستند، نهایتاً این نیروهای سرکوب مستقیم در کف خیابان هستند که باید برای مقابله با خطر گسترش اعتراضات به یک قیام سراسری نقش ایفا کنند.

دستگاه سرکوب مستقیم اساساً شامل این نیروها هستند: ناجا (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی)، نیروهای یگان ویژه ناجا، نویو (نیروی ویژه پاسدار ولایت) به عنوان یکی از واحدهای یگان ویژه، بسیج، لباس شخصیها، و بالاخره سپاه پاسداران اسلامی که وظیفه پاسداری از حکومت اسلامی را بر عهده دارد. البته حکومت اسلامی با اولین خیزش در سال ۸۸ و احساس جدی خطر سرنگونی، نیروهای سرکوب را در اشکال جدید مثل «گردان‌های امنیتی موتورسوار امام علی در سپاه» یا «نیروهای محله محور» هم سازمان داده است.

حکومت اسلامی بودجه عظیمی برای آماده نگه داشتن این نیروهای سرکوب اختصاص داده است و آنها را به مدرنترین امکانات سرکوب تجهیز کرده است. به عنوان یک مثال، «یگان ویژه» ناجا تعداد زیادی خودروی زرهی به نام «راتق» در اختیار دارد که به دوربین، سیستم فیلتر هوا، تجهیزات پرتاب رنگ و ماده بدبو، آب‌پاش، هشدار صوتی و بلندگو، دیده‌بان و خروجی اضطراری مجهز است. طراحی داخلی این خودروی زرهی طوری است که ۲۱ نفر نیروی تخصصی یگان ویژه از جمله تک‌تیرانداز، ساچمه‌زن، پرتاب‌کننده گاز، پینت‌بال‌زن میتوانند از طریق آن عملیات سرکوب را پیش ببرند.

در نگاه اول ممکن است این

جلوه ای از قدر قدرتی یک حکومت سرکوبگر باشد، اما دقیقاً برعکس است. اولاً، نشانه روشنی از ترس و نگرانی حکومت از قدرت اعتراض مردم است که به چنین ابزارهای سرکوب نیاز پیدا کرده است و ثانیاً، لازم نیست در تاریخ انقلابات زمانهای بسیار دور کنکاش کنیم، تجربه همین ۱۵ سال گذشته نشان داده است که حتی قدرتمندترین دستگاههای سرکوب، قدرتمندترین ارتشها هم نتوانسته اند دیکتاتورها را از تعرض مردم نجات دهند.

انقلاب مردم برای پایان دادن به حیات کلیت نظام اسلامی باید کل سازمان سرکوب این حکومت را متلاشی و فرماندهانش را دستگیر و محاکمه کند. تزلزل در بدنه نیروهای سرکوب و پشت کردن بخشهایی از همین بدنه به حکومت در حال فروپاشی و دستگاه سرکوبش یک وجه مهم همه انقلابها و به فرجام رساندن سرنگونی بوده و خواهد بود. ایران هم از این قاعده مستثنی نیست.

یک نقطه ضعف مهم!

بخش ایدئولوژیک - مذهبی نیروهای سرکوب مطلقاً موقعیت سابق را ندارند. بخش مهمی از اینها که به مقام و پول و پله ای رسیده اند، یعنی همان «برادران قاچاقچی» احمدی نژاد، مساله شان ایدئولوژی و اسلام و نظام اسلامی نیست. مساله شان پول و ثروتی است که دست و پا کرده اند. اینها بخش مهمی از طبقه حاکم سرمایه دار هستند و تمایلشان برای حفظ نظام هم اساساً از این سر است. این طیف از نظر اخلاقی و شرافت انسانی فاسدترین و بی همه چیزترین بخش نیروهای سرکوب و قهارترین ابن الوقتها هستند. اینها حتماً برای حفظ نظام، یعنی حفظ مقام و ثروتی که چپاول کرده اند به هر جنایتی دست خواهند زد، اما لحظه ای که احساس کنند یک انقلاب تمام عیار نظام اسلامی را به تشییع جنازه نهایی نزدیک میکند، به جای حفظ نظام، دنبال راهی برای نجات خودشان خواهند بود.

آیا در میان نیروهای سرکوب نسلهای جوانتری نیستند که در همین چند ده سال اخیر به صف نیروهای سرکوب داخل شده و از سر دفاع از اسلام و نظام اسلامی حاضر به سرکوب «معاندان نظام» باشند؟ پاسخ منفی است. هر چقدر از مقطع انقلاب ۵۷ دورتر شده ایم، مخصوصاً نسل جوان پی برده است که این حکومت کوچکترین ربطی به حق و حقوق طبقات محروم یا به اصطلاح مستضعف ندارد. معلوم شده است که به نام «مستضعفین»، آیت الله های میلیارد پول پارو میکنند. افشاگریهای باندهای رقیب در باره دزدیهای نجومی مقامات و عمامه به سرها و آیت الله ها به عنوان سلاطین شکر و آهن و ... غیره این نسل را آگاه کرده است. در چنین فضایی، عملاً حکومت برای دست و پا کردن نیروی ایدئولوژیک و خودباخته و به اصطلاح «ذوب شده در ولایت فقیه» با مانع جدی روبروست و ناگزیر است برای تامین نیروی سرکوب بر روی استیصال اقتصادی بخشهایی از جامعه سرمایه گذاری کند. زمینه برای دست کشیدن از مقابله با مردم معترض در میان این بخش که از سر اجبار اقتصادی در صف نیروهای انتظامی هستند امروز بیشتر از هر زمان دیگر فراهم تر است.

باید تلاش کرد به هر شکل ممکن با ایجاد تزلزل، تعداد هر چه بیشتری از این بخش را از دستگاه سرکوب و فرماندهان سرکوبگرش جدا کرد.

خطاب به بدنه نیروهای سرکوب: تا دیر نشده است به حکومت پشت کنید!

روز روشن می بینید که در ایران انقلاب بزرگی در حال شکل گرفتن است. انقلابی که تمام هست و نیست حکومت اسلامی را ویران خواهد کرد.

بیدار شوید. خوزستان را می بینید که مردم تشنه اش ۱۵ روز تمام فریاد میزنند این حکومت باید ساقط شود. تبریز را می بینید که با فریاد «آذربایجان خوزستان، اتحاد اتحاد»، کرج را می بینید که با فریاد «از کرج تا خوزستان، اتحاد اتحاد»، اصفهان را می بینید که با فریاد «جمهوری اسلامی نمی خواهیم نیمخواهیم»، تهران را می بینید که با فریاد «خامنه ای حیا کن، مملکتو رها کن»، و دهها شهر دیگر را می بینید که با فریاد «مرگ بر دیکتاتور» به جنبش سرنگونی پیوسته اند.

بیدار شوید. دور نیست که آتش خشم مردم مستقیماً به پشت بیت فاسد و چپاولگر خامنه ای، مفر ریاست جمهوری، مراکز سپاه و بسیج و مقرهای امام جمعه های مفت خور فاسد برسد.

بیدار شوید. در حالیکه حکام اسلامی و فرماندهان سرکوب شما را با دروغ و دغل به انحاء مختلف فریب میدهند و مجبور میکنند در خیابانها با خشم و خروش مردم معترض و حق طلب مواجه شوید، خودشان اعضای خانواده و فرزندانشان را به کشورهای غرب میفرستند و برای فرار خودشان از الان انواع تدارکات را می بینند.

هشیار باشید. دور نیست روزی که کارکنان شریف و معترض بانکها، اسامی صدها دزد و چپاولگر از میان آیت الله ها

و فرماندهان سپاه و بسیج و نیروی انتظامی را افشا کنند که میلیونها دلار خارج کرده اند و در کشورهای غرب سرمایه گذاری کرده اند تا اگر بتوانند از چنگ مردم فرار کنند و زندگی لوکس برای خود سر و سامان دهند.

به هوش باشید و تا دیر نشده تصمیم بگیرید. به مردم بیبوندید. هزار و یک راه هست که به جای کشتار هموع رنج‌دیده و ستمکش و معترض، همدردی با این انسانها را انتخاب کنید. میتوانید به طرق مختلف - مستقیم یا غیر مستقیم - نقشه فرماندهان فاسد و آدمکش را به اطلاع معترضین برسانید. میتوانید در خود محل و میدان به اشکال مختلف با مردم معترض همدردیتان را نشان دهید. میتوانید در کف خیابان از تیراندازی به سوی زنان و مردان حق طلب و معترض خودداری کنید. میتوانید صف نیروی سرکوب را ترک کنید.

تا دیر نشده است به جای خدمت به آیت الله ها و آقازاده های میلیاردی، به جای هدف گرفتن قلب معترضین، کارگران محروم، کشاورزان زندگی از دست داده، جوانان بیکار و بی آینده، زنان تحقیر شده و ستم‌دیده و مبارز، مردم گرسنه و تشنه و تحقیر شده ای که برای کرم انسانیشان بی‌خاسته اند، به جای شرکت در جنایت حکومت اسلامی، صف حکومت اسلامی را ترک کنید و به صف مردم معترض ملحق شوید. مطمئن باشید در این صورت مردم شما را با آغوش باز پذیرا خواهند شد.

همه دستگیرشدگان اعتراضات و کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند!

در اعتراضات مردم خوزستان و برخی دیگر از شهرها صدها نفر دستگیر شده اند. جنبش وسیع همبستگی که در سراسر کشور توسط بخش های مختلف مردم شکل گرفته است، میتواند و باید قدم بلندتری به جلو بردارد و همه جا فریاد آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دستگیر شدگان در خوزستان و سایر شهرها را بلند کند. باید جبهه جدیدی از مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی را در همه شهرهای خوزستان و در سراسر کشور سازمان بدهیم و از همه طرف حکومت را تحت فشار قرار دهیم.

جمهوری اسلامی از هر سو مورد خشم و اعتراض مردم قرار گرفته است. مبارزات مردم وارد فاز تازه ای شده است. ترس مردم ریخته است و این مقامات حکومتند که بشدت از خیزش عظیمی که در راه است به وحشت افتاده اند. همبستگی وسیع و توده ای و باشکوهی که با تظاهرات های همبستگی با خوزستان، در شهرهای دیگر و با بیانیه ها و طومارها و پیام های چهره های شناخته شده شکل گرفته است، اکنون باید با تمام قوا خواست آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی را در اجتماعات و بیانیه ها و طومارها با صدای بلند اعلام کند. در کلیه شهرهایی که مردم را دستگیر کرده اند باید خانواده ها را همراهی کرد و در مقابل مراکز حکومتی دست به تجمع زد. باید اعلام کرد که فرزندان ما مجرم نیستند این مقاماتند که به دلیل شلیک به مردم معترض و بدلیل محرومیت های همه جانبه ای که به مردم تحمیل کرده اند و بدلیل دزدی ها و فسادهای که در آن غرق شده اند باید محاکمه شوند. باید اعلام کرد که بدون هیچ قید و شرطی و بدون هیچ وثیقه ای عزیزانمان باید آزاد شوند.

نفسی اینکه جنایتکارانی مانند اژه ای از عفو! شماری از معترضین آبان ۹۸ حرف میزنند و وعده آزادی تعدادی از دستگیرشدگان خوزستان را میدهند به حد کافی گویای ترس و وحشت حکومت است. گویای این است که زمینه برای عقب راندن حکومت و آزاد کردن فوری عزیزانمان فرارسیده است. پرچم آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دستگیرشدگان و زندانیان سیاسی را اکنون باید همه جا برافراشت. این یک رکن مهم گسترش و تعمیق همبستگی و تحمیل این خواست مهم به حکومت است.

حزب کمونیست کارگری همه شما مردم بپاخاسته را فرا می خواند که در اعتراضات خود که به نشانه همبستگی با مردم خوزستان و برای خواست های خود برپا می کنید خواست آزادی بدون قید و شرط دستگیرشدگان در خوزستان و سایر شهرها و خواست آزادی زندانیان سیاسی را با صدای هر چه بلندتر مطرح کنید. همبستگی سراسری و رو به افزایش خود را به پشتوانه محکمی برای آزادی کلیه دستگیر شدگان تبدیل کنید. با خانواده های دستگیرشدگان همراهی نمائید و آنها را در مبارزه برای آزادی معترضین به هر شکل ممکن یاری رسانید.

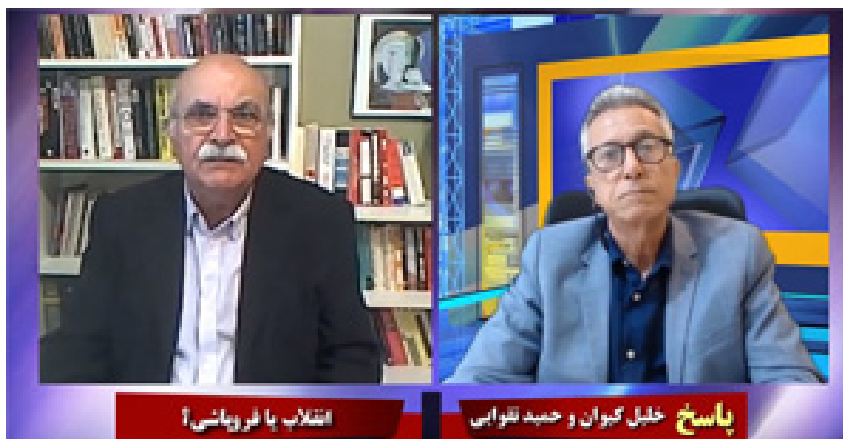
زمان تعرض به همه مظاهر سرکوب جمهوری اسلامی فرارسیده است. روز حمله به زندانها و گشودن درب زندانها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی نزدیک تر می شود. فریاد آزادی زندانیان سیاسی و آزادی بی قید و شرط دستگیرشدگان اعتراضات در خوزستان و سایر شهرها را در همه جا طنین انداز کنیم و به استقبال روزهای پیروزی بر رژیم اسلامی سرمایه داران برویم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مرداد - ۱۴۰۰ ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۱

فروپاشی یا انقلاب؟

این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی تدوین شده است



خلیل کیوان: در پی خیزشی که از خوزستان شروع شد و به شهرها و نقاط دیگر کشور گسترش یافت برخی از شکل گیری یک انقلاب و عده ای از آشفتگی و فروپاشی صحبت میکنند. اعتراضات به کدام سمت میروند؟ آیا جامعه به فروپاشی و آشفتگی کشیده میشود؟ آیا اعتراضات اخیر آغاز یک انقلاب و پایان کار جمهوری اسلامی را نوید میدهند؟ همگرایی و اتحاد در صفوف اعتراضات و جامعه یا واگرایی و تشتت؟ جامعه به کدام سو میرود؟ این پرسشها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

حمید تقوایی! ارزیابی شما از اعتراضات خوزستان و آینده آن چیست؟

حمید تقوایی: در یک سطح عمومی اعتراضات جاری در ادامه اعتراضات و خیزشهای توده ای در چند ساله اخیر رخ میدهد. میتوان گفت آخرین دور اعتراضات مشخصا از سال ۸۸ شروع میشود و بعد در ۹۶ و ۹۸ ابعاد گسترده تر و رادیکال تری پیدا میکند. در این مدت اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری هم ادامه داشته و رو به اوج بوده است. در ادامه و بر متن این جنبش عمومی است که امروز شاهد خیزش در خوزستان هستیم و همچنین شاهد همراهی و همبستگی و حمایت وسیع و بی سابقه با این اعتراضات در شهرهای مختلف ایران. از این نقطه نظر اعتراضات خوزستان در ادامه و جزئی از جنبش عظیمی است که سرتوکی جمهوری اسلامی را هدف گرفته است.

یک ویژگی خیزش جاری در خوزستان این است که با ابراز همبستگی و حمایت وسیع و پرشوری همراه شده است. هم از جانب توده مردم در سایر شهرهای ایران و هم از طرف نهادها و فعالین جنبش کارگری و چهره های هنری و ورزشی و غیره. در دوره های گذشته در چنین سطح

وسعی شاهد این پدیده نبودیم.

یک جنبه مهم دیگر خیزش جاری اینست که همه جا، در خود خوزستان و در ابراز حمایتها در شهرهای دیگر، با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم و مرگ بر خامنه ای و شعارهای مشابه دیگری علیه کل نظام همراه بود. گرچه مساله بی آبی مساله ای حیاتی است و جنبش حول این مساله شروع شد ولی همه جا شعارها علیه کل حکومت بود چون مردم بدرست تشخیص داده اند که تا این حکومت هست حتی ابتدائی ترین حوائج آنها و ملزومات زندگی روزمره شان تامین نمیشود. به یک معنی مبارزه مردم خوزستان مبارزه ای برای بقا است. مردم برای بقای فیزیکی، برای زنده ماندن، به میدان آمده اند. ولی به روشنی می دانند که اولاً مشکل بی آبی زاده سیاستهای خود حکومت است و ثانیاً مشکل فقط بی آبی نیست. از هر جنبه زندگی توده مردم تحت فشارهای طاقت فرسائی قرار گرفته است. بی آبی و بی برقی تنها آخرین بروزات مصائب عدیده ای است که رژیم به مردم تحمیل کرده است. گرانی، بیکاری، فقر، بیماری کرونا که در اثر سیاستهای رژیم به یک فاجعه هولناک تبدیل شده است، بی حقوقی کامل، نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی، سرکوب و زندان و اعدام و تبعیضات فاحش علیه زنان

و غیره و غیره. اینها همه زمینه ساز خیزش خوزستان و حمایت گسترده مردم سراسر ایران از این خیزش است.

نکته دیگر که باید اضافه کنم اینست که این بار شرایط شبیه ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ نیست که تظاهرات و خیزشی اوج میگردد و بعد فرو می خوابد تا دو سه سال دیگر باز سربلند کند. به نظر من روندی از مبارزات شروع شده است که گرچه ممکن است افت و خیز داشته باشد اما فرو نمی خوابد، بلکه ادامه پیدا میکند تا ضربه نهائی را به حکومت وارد کند. به نظر من ما در آستانه یک انقلاب عظیم اجتماعی قرار داریم. خیزش خوزستان اولین جرقه ها و شعله های انقلاب عظیمی است که در ادامه خود کل بساط جمهوری اسلامی را در هم خواهد پیچید.

خلیل کیوان: در صحبت هایتان به اتحاد و همبستگی مردم اشاره کردید که باید گفت در چند دهه اخیر بی نظیر بوده است. این نشان میدهد که جامعه به تغییر وضعیت موجود امیدوار است و می رود که جمهوری اسلامی را از جامعه جارو کند. اما بر متن اعتراضات اخیر در برخی محافل روشنفکری و آکادمیک و دانشگاهی از امکان فروپاشی و یا آشفتگی صحبت میشود. استدلال میشود که ایران جامعه مدنی ضعیفی دارد، نهادهای مدنی نهادینه نشده اند، نهادهای

دموکراتیک وجود ندارند و در نتیجه تحولات بسوی آشفتگی و تشتت و فروپاشی می رود. آیا واقعیتی در این نظریه هست؟

حمید تقوایی: به عقیده من واقعیتی در این نوع نظریات نیست. شاید در محافل محدود و معدودی این نوع نظریات و یا ابراز نگرانی از فروپاشی و هرج و مرج و نظایر آن مطرح باشد ولی علی العموم این گفتمان در میان مردم و حتی در میان اکتیویستها و فعالین جایگاهی ندارد. این گفتمانی است که خود حکومتی ها و دو خردادی های خواهان حفظ نظام موجود به آن دامن می زنند. تحت عنوان خطر سوریه ای شدن ایران، از دست رفتن امنیت، جنگ داخلی و بجان هم افتادن مردم و غیره مردم را از آینده میترسانند و حکومت هم در این نوع گفتمان ها میدمد. منتهی عده ای از آکادمیسینها با تحلیلهای ظاهرا جامعه شناسانه وارد این میدان میشوند و چنین عنوان میکنند که چون جامعه از نهادها و سازمانهای دموکراتیک برخوردار نیست و یا این نهادها و سازمانها به اندازه کافی قوام نگرفته اند لاجرم به سوی یک نوع تشتت و به هم ریختگی و فروپاشی حرکت میکنیم.

این نظریه بی پایه است. چون اولاً گرچه نهادهای با سابقه و رسمی و قانونی وجود ندارند ولی این به معنی منفرد و متمیز بودن جامعه نیست.

و به انواع گروههای مخفی و نیمه مخفی سازماندهی اعتصابات و تجمعات شکل بدهند. مبارزاتی مثل تجمعات بازنشستگان و یا اعتصابات سراسری نفت و اعتصابات مستمر هفت تپه و نظایر آن بدون اتکا به این نوع تشکلهای امکان پذیر نمی بود. همین امروز شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت به همین شیوه تشکیل شده و فعالیت میکند. اینها همه نشاندهنده آنست که جامعه به خودش شکل داده است.

بنابراین این درست نیست که گویا چون بطور قانونی و رسمی امکان متشکل شدن وجود ندارد مردم متفرق و پراکنده اند.

ثانیا جنبه مهمتر مضمون اعتراضات و اتحاد و همبستگی توده مردم است. مردم از نظر خشم و نفرتی که از جمهوری اسلامی دارند و در عزم جزمشان برای بزیر کشیدن این حکومت، همدل و متحد هستند. جامعه ای متشتت و آشفته میشود که بخشهای مختلف مردم اهداف متفاوت و متناقضی را دنبال کنند و جامعه را بطرف جنگهای قومی و مذهبی و منطقه ای بکشانند. شرایطی که ما اصطلاحاً سناریوی سیاه می نامیم. مثلاً در دوره هائی در عراق شاهد این وضعیت

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

انتظارات و توقعات عمیقاً انسانی ای که در جامعه هست، و در شعارهائی مثل فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی و مخالفت مردم با فاصله بین فقر و ثروت در جامعه و یا خواست اداره شورائی کارگران متجلی میشود، و حتی امروز در گفتار نیروهای اپوزیسیون راست مبنی بر آینده سوسیالیستی ایران بعد از جمهوری اسلامی و یا رجوع به کارگران اعتصابی هفت تپه بعنوان آلترناتیو شاهد هستیم، همه اینها نماد و بازتاب روی آوری بخش فزاینده ای از جامعه به آرمانهای انسانی و برابری طلبانه سوسیالیستی است. اعتراض مردم صرفاً به حکومت اسلامی نیست بلکه علیه نظام و سیستمی هست که ریاضت کشی اقتصادی و این فاصله عظیم بین فقر و ثروت را در ایران بوجود آورده است. ۶۶

بودیم که امروز خوشبختانه آنجا هم به این شکل نیست و در دو سه ساله اخیر مردم وسیعاً علیه دولت موجود و دخالتگریهای جمهوری اسلامی به میدان آمده اند. در ایران همیشه اینطور بوده است. این پدیده که گویا اقوام مختلف و یا مردم منسوب به قومها و ملیتها و مذاهب مختلف بجان همدیگر می افتند و جامعه را در خطر فروپاشی قرار میدهند هیچ زمان در چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی اتفاق نیفتاده است و در چشم انداز نیز قرار ندارد. تنها بعضی از نیروهای ناسیونالیستی و قومی بر طبل ترک و فارس و عرب و کرد و غیره میکوبند و عملاً در خدمت جمهوری اسلامی قرار میگیرند. باید با اینها پیگیرانه مقابله کرد لی این نیروها خصلت نمای وضعیت سیاسی ایران حتی در همان مناطق کرد و آذری و عرب نشین نیستند. در یک سطح توده ای در مبارزات مردم در مثلاً آذربایجان و یا کردستان و خوزستان خوشبختانه شاهد آن نیستیم که بخشهای مختلف مردم در برابر همدیگر قرار بگیرند و "فارسها" و غیر خودی ها را دشمن بدانند. یکی از فاکتورهای مهمی که جامعه را در خطر فروپاشی قرار میدهد تخصیص های قومی مذهبی ناسیونالیستی است و این فاکتور در جامعه ایران بسیار ضعیف است. خواست عمومی مردم این خلاصی از شر جمهوری اسلامی است. خلاصی از بیکاری و گرانی و فقر و بی حقوقی ها و تبعیضات فاحشی است که در جامعه بیداد میکند. حول این خواست پایه ای اکثریت عظیم مردم ایران، نود و نه درصد مردم، متحد اند. در اعتراضاتشان و شعارهایشان همین خواسته را مطرح میکنند و این نه فروپاشی بلکه چشم انداز یک انقلاب عظیم اجتماعی را در برابر ما قرار میدهد.

خلیل کیوان: کسانی که مساله فروپاشی را مطرح میکنند استدلال دیگری هم دارند. میگویند ما فاقد یک

پیروزی هر انقلابی هست.

خلیل کیوان: یک بحث اینست که از انقلاب مشروطه تا امروز دولت ها و ارگانهای حاکم با تحکم جامعه را هدایت کرده اند. مردم و نهادهای مدنی امکان ابراز وجود نداشته اند. فاصله ای بین دولت و ارگانهای حاکم با مقامات حکومتی نبوده است. رژیم فعلی هم همینطور است و این اساس مشکل است. نظر شما چیست؟

حمید تقوائی: این بحث بسادگی به این اشاره میکند که در جامعه ایران همیشه یک نظام دیکتاتوری حاکم بوده است. مشخصاً از انقلاب مشروطه تا امروز مدام ما با دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری مواجه بوده ایم. و افرادی مثل شاه یا ولی فقیه همه کاره بوده اند و بهمین خاطر بین نظام یا دولت با فرد دیکتاتور در رأس نظام فاصله ای نبوده است.

این نظریه به نوعی نگرانی معتقدین آنرا بیان میکند که نمیخواهند خشم مردم علیه

پیش می آید آن حزب حاضر به یراقی که خود را برای این شرایط آماده کرده و خود در زمینه سازی آن نقش داشته است این شانس و امکان را دارد که به جلو رانده شود و به عنوان رهبر انقلاب عروج کند.

در هر حال این فاز، این دوره عروج یک نیرو، چه احزاب و چه حتی افراد انقلابی، در روند انقلاب شکل میگیرد و در ایران هم این روند طی خواهد شد. ما از هم اکنون شاهد نمونه ها و طلایه های آن هستیم.

این تر هم که گویا دوره رهبری گذشته است بی پایه است. زمانی می گفتند دوره انقلابات گذشته است و حالا که به انقلاب نزدیک میشویم ضرورت رهبری انقلاب را زیر سؤال میبرند. به نظر من پیروزی هر انقلابی مستلزم حضور یک نیروی سیاسی سازمانده و رهبری کننده است. مردم باید بتوانند به یک

نیروی سیاسی که صف آنها را متحد میکند و راه مبارزه را به آنها نشان میدهد اعتماد و اقتدا کنند. تجربه همه انقلابات نشان میدهد که این یک پیش شرط مهم پیشروی و

از نیروهای اپوزیسیون بدنبال تغییرات تدریجی و یا سناریوهائی نظیر رژیم چنج و معماری قدرت از بالا و نظایر آن بودند این نظرات را نقد کرده و بر اتحاد و تشکل و نقش تعیین کننده مبارزات مردم و قدرت خیابان پای فشرده اند، علیه اسلام سیاسی جنگیده اند و علیه قوانین قصاص و مقدسات و تابوهای پوسیده مذهبی پیگیرانه مبارزه کرده اند، چنین نیروهائی امکان و صلاحیت این را دارند که در روند مبارزات مردم مورد اعتماد و انتخاب مردم قرار بگیرند و به موقعیت رهبر انقلاب عروج کنند. این سابقه

پیش شرط لازم برای اینست که نیروها و احزاب انقلابی، وقتی انقلابی شکل گرفت، بجلو رانده بشوند و بتوانند نقش سازمانده و رهبر انقلاب را ایفا نمایند.

این را هم باید تأکید کنم که انقلاب یک پدیده عینی است و زاده اراده احزاب و نیروهای سیاسی نیست. تناقضات و تضادهای واقعی و عینی اجتماعی باعث خیزشهای توده ای و انقلاب میشود. در ایران هم بویژه در چند سال اخیر شاهد این روند هستیم. زمانی که چنین شرایطی

رهبری واحد و کاریزماتیک در رأس اعتراضات و خیزش های اجتماعی هستیم. چنین رهبری ای وجود ندارد. کلاً معتقدند که دوره رهبران کاریزماتیک گذشته است. آیا فقدان یک رهبری واحد در اعتراضات نمیتواند به نا امیدی مردم و پراکندگی آشفته گی جامعه منجر شود؟

حمید تقوائی: تا بحال که با چنین مساله ای روبرو نبوده ایم. این درست است که در حال حاضر رهبری ای که بتواند عملاً و در یک سطح کلان بر تحولات تأثیر گذار باشد و از جانب بخش قابل توجهی از مردم پذیرفته شده باشد وجود ندارد. ولی این به معنی این نیست که رهبری نمیتواند شکل بگیرد و به سمت آشفته گی میرویم. من همیشه بر این تأکید کرده ام که رهبری مبارزات توده ای و انقلابات در روند خود مبارزه و انقلاب عروج پیدا میکند. رهبری ابتدا بساکن و از آسمان نازل نمیشود. احزاب و نیروهائی که مانند حزب ما ده ها سال فعالیت کرده اند، مدام بر ضرورت و مطلوبیت انقلاب و سرنگونی حکومت به قدرت انقلاب خود مردم تأکید کرده اند، زمانی که بسیاری

ادامه از صفحه ۵

دیکتاتور به اعتراض و مبارزه آنها علیه کل نظام تبدیل بشود! نمیخواهند مبارزه برای تغییر یک فرد، که ممکن است در دموکراسی های غربی با یک انتخابات اتفاق بیفتد، گره بخورد به سرنوشت کل حکومت و نظام. اما این واقعیتی است که جای نگرانی ندارد بکه باید به استقبال آن رفت. نظامی که دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری را به جامعه تحمیل کرده باید زیر و رو بشود.

اما سؤال اساسی این است که چرا دیکتاتوری داشته ایم؟ زمینه های آن چیست؟ فقدان نهادهای دموکراتیک خود عارضه و معلول این دیکتاتوریها است و نه علت آن! علت بسادگی اینست که طبقه مفت خور سرمایه دار که در سده گذشته حاکم بوده و مشخصا بعد از اصلاحات ارضی بلامنازع تمام قدرت را در دست داشته است برای حفظ منافع خود به دیکتاتوری نیازمند بوده است. دیکتاتوری خشن و عریان مستلزم سودآوری و کارکرد سرمایه در ایران است. ما همیشه بر این واقعیت تاکید کرده ایم. در زمان پهلوی چنین بود و در جمهوری اسلامی هم همه مردم به عینه دیده اند که آیت الله های میلیاردر تنها با اتکا به سرکوب و کشتار و اعدام میتوانند قدرت و ثروت خودشان را حفظ کنند. این دیکتاتوری از ملزومات تحمیل ریاضت کشی و زندگی فلاکت بار زیر خط فقر به توده مردم و بخور و بچاپ و ثروت اندوزی نجومی یک درصدیهای حاکم است. در زمان پهلوی هزار فامیل و دربار این موقعیت را داشتند و امروز آیت الله های میلیاردر و باندهای مافیائی وابسته به آنها این موقعیت را دارند.

از اینجا به چه نتیجه ای میرسیم؟ آیا چون نهادهای مدنی شکل نگرفته اند این وضعیت بوجود آمده؟ روشن است که قضیه برعکس است. اعمال دیکتاتوری و سرکوب از شکل گیری نهادهای مدنی جلوگیری کرده است. معلول

را نباید با علت اشتباه گرفت. اساس مسئله اینست که سرمایه داری در ایران برای اینکه سودآور باشد و قدرت خودش را حفظ کند ناگزیر است تسمه از گرده طبقه کارگر بکشد. و به همین خاطر هم اجازه نمیدهد نهادهای مدنی در جامعه شکل بگیرند.

دیدن این واقعیت راه حل را هم روشن میکند. راه حل در هم گویندن نظام سرمایه داری است. نه تنها باید از دیکتاتور و حکومت دیکتاتوری خلع ید کرد بلکه نظامی که به چنین دیکتاتوری هایی نیازمند است را باید از بین برد. باید رفت بطرف سوسیالیسم و سرمایه داری را از جامعه جارو کرد تا به عمر دیکتاتوریها هم برای همیشه پایان داده بشود.

به نظر من جامعه امروز ایران دارد به این سمت میروند. انتظارات و توقعات عمیقا انسانی ای که در جامعه هست، و در شعارهایی مثل فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی و مخالفت مردم با فاصله بین فقر و ثروت در جامعه و یا خواست اداره شورائی کارگران متجلی میشود، و حتی امروز در گفتمان نیروهای اپوزیسیون راست مبنی بر آینده سوسیالیستی ایران بعد از جمهوری اسلامی و یا رجوع به کارگران اعتصابی هفت تپه بعنوان آلترناتیو شاهد هستیم، همه اینها نماد و بازتاب روی آوری بخشی فزاینده ای از جامعه به آرمانهای انسانی و برابری طلبانه سوسیالیستی است. اعتراض مردم صرفا به حکومت اسلامی نیست بلکه علیه نظام و سیستمی هست که ریاضت کشی اقتصادی و این فاصله عظیم بین فقر و ثروت را در ایران بوجود آورده است.

این اساس مساله است و موضوع تداعی شدن حکومت با یک فرد از اینجا نشات میگیرد. این رونمای مناسب برای سلطه و حاکمیت سرمایه داری در ایران است. و راه حل هم این نیست که به نوعی حساب فرد را از سیستم جدا کرد. بلکه باید دیکتاتور را با کل سیستم کنار زد تا این

شرایط برای همیشه پایان پذیرد.

خلیل کیوان: علیرغم مشکلاتی که در جامعه وجود دارد امید به تغییر و آینده ای بهتر در جامعه موج میزند. اما برخی معتقدند که اعتراضات مردم سلبی است و در ضدیت با رژیم مردم متحد اند ولی از نظر ایجابی اختلافات زیاد و اهداف راهبردی مختلف وجود دارد. میگویند باور به ساختارهای سیاسی - اجتماعی واحدی شکل نگرفته است. صداهای مختلفی در باره آینده سیاسی کشور مطرح است که آینده را در ابهام و ناروشتی فرو میبرد. نظر شما چیست؟

حمید تقوائی: یکی از پایه های تفکر ما و متد ما اینست که انقلاب تحول و پدیده ای سلبی است، علیه وضعیت موجود است و اساسا حول نخواستن و نپذیرفتن شکل میگیرد. اصلا تعریف انقلاب این است. مردم نمیتوانند شرایطی را تحمل کنند و به میدان می آیند تا آنرا نفی کنند. می حرکت سلبی، قدرت و پتانسیل و پیشروی اش به این بستگی ندارد که توده مردم اثباتا چه میخواهند و یا چقدر در این مورد هم نظر و متحد هستند بلکه تماما به این بستگی دارد که چه نمیخواهند و چقدر نقد و مخالفتشان با وضع موجود ریشه ای و عمیق و سازش ناپذیر است. قدرت انقلاب و نقش عینی آن در نفی وضعیت موجود است و نه در ساختن آینده. این دومی خود در نخواستن ها متبلور میشود. وقتی مردم فاصله عظیم بین فقر و ثروت و تبعیض و بی حقوقی و سرکوب را نمیخواهند یعنی خواهان برابری و رفاه و آزادی هستند. اما آنچه مردم را به حرکت در می آورد و متحد میکند نفس غیر قابل تحمل بودن شرایط موجود است. همین امروز در گرمای بالای ۵۰ درجه خوزستان آب نیست و این یعنی دیگر زندگی غیر ممکن است و ناگزیر باید به خیابان ریخت و اعتراض کرد. اینجا مساله بر سر بقای فیزیکی

جامعه است. مردم علیه زندگی زیر خط فقر و زندان و اعدام و سرکوب و علیه تبعیضات فاحش تحمیلی به زنان و بی حقوقی و قوانین و سیاستهای ضد انسانی به میدان می آیند و به انقلاب علیه کل وضع موجود شکل میدهند. این نه عشق به آینده بلکه تنفر از وضعیت امروز است که مردم را به حرکت در می آورد. انقلاب هر چه در این حرکت سلبی عمیق تر و ریشه ای تر باشد آینده روشن تر و انسانی تر خواهد بود. ازینرو نکته اساسی این است که انقلاب تا چه حد میخواهد و میتواند که وضعیت موجود را زیر و رو کند و نقد و اعتراض تا چه حد عمیق و برحق و پایه ای و انسانی است.

در عین حال خصلت سلبی انقلاب بیانگر انتظارات و توقعات و تصویر مردم از جامعه ایده آل هم هست. مخالفت با اعدام و سرکوب و فقر و بی حقوقی به معنای مطلوبیت توده ای جامعه ای بری از تبعیض و نابرابری و اختناق و بی تامینی اقتصادی است. به معنی مبارزه برای جامعه ای برابر و آزاد و مرفه و انسانی است. توده مردم از نظر آرمانها و ایده آلهای کاملا متحد و هم نظرند.

بعنوان مثال توقع و تصویری که از آزادی در جامعه وجود دارد کاملا عمیق و انسانی و ماکسیمالیستی است. آزادی به معنی پارلمان هیچ زمان در اعتراضات عمومی محبوبیتی نداشته است. در انقلاب ۵۷ بعد از سرنوشتی شاه جامعه وسیعا به شوراها روی آورد و همه مردم آزادی و دموکراسی را با شورا تداعی میکردند.

امروز هم جنبش کارگری خواست شورا و اداره شورائی را مطرح کرده است. البته کسانی و نیروهای سیاسی هستند که آزادی را با پارلمان و حتی مشروطیت تعریف و بیان میکنند ولی توده کارگر و مردم معترض چنین تصویری ندارند. آرمان مردم آزادی به معنی دخالت مستقیمشان در امور اداره جامعه است.

این خود حاصل تعمیق نقد و اعتراض مردم به دیکتاتوری است. مردم در مبارزه علیه دیکتاتوری جمهوری اسلامی به نقد و نفی هر نوع دولت مافوق مردم میروند و خواستار دخالت مستقیم خود در اداره امور میشوند. همانطور که کارگران هفت تپه خطاب به دار و دسته اسدیگی و مقامات اعلام کردند "اگر نمیتوانید هفت تپه را اداره کنید بدهید بدست ما، ما میتوانیم."

یا وقتی مردم علیه فقر مبارزه میکنند منظورشان خیریه و صدقه نیست بلکه ریاضت کشی اقتصادی، فساد و دزدی سیستماتیک و سیاستهای کلان اقتصادی حکومت را به چالش میکشند. وقتی علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی شعار میدهند شکاف عظیم بین فقر و ثروت را زیر سؤال میبرند.

اینها نمونه های گویائی از خصلت اثباتی و ایجابی مستتر در نقد و اعتراض است که بالاتر توضیح دادم.

خلاصه کنم. اولاً هر انقلابی اساسا سلبی است. علیه وضع موجود است و پیشروی و ارتقاییش به این معنی است که نقد و اعتراض هر چه عمیقتر و ریشه ای تر میشود. ثانیاً در هر شعار سلبی ای در عین حال تصویری از یک آینده ایده آل و آرمانی مستتر است که خود حاصل نقد و نخواستن و نپذیرفتن و توقع و انتظار مردم از نفی وضع موجود است. این تصویر و این توقع و انتظار از یک زندگی بهتر و عاری از فقر و نابرابری و بی حقوقی امری متحد کننده و عمومی در میان توده عظیم مردم است. مردم همه آزادی را میخواهند، مردم همه رفاه را میخواهند، مردم برابری کامل را میخواهند و به این معنی انقلابی که در ایران شکل میگیرد در کنه خودش خواستار جامعه ای عمیقا انسانی و آزاد و برابر و مرفه است.

۲۹ ژوئیه ۲۰۲۱

تونس، ده سال بعد از انقلاب یاس



شهاب بهرامی

یک حزب پر قدرت، رادیکال و روشن بین کارگری در عین حال مهمترین و فوری ترین اقدام جنبش رادیکال کارگری برای رهایی جامعه از چنگال سرمایه و فقر و بدبختی و برای ایجاد جامعه ای آزاد و شاد و مرفه باشد.

عقیم ماندن مطالبات و اهداف بهار عربی اما دارای درسها و تجارب ارزنده ای بود که لازم است از طرف فعالین و مبارزان امروز تونس بازخوانی شود. عروج بهار عربی، افول جنبش اسلام سیاسی را در ابعادی باور نکردنی به نمایش گذاشت. خیزش سرنگونی طلبانه مردم ایران و کارگران در راس آن، طلیعه سقوط مافیای اسلامی در ایران و منطقه است. اگر انقلاب یاس، دومینوی بهار عربی شد انقلاب ایران بی شک دومینوی انقلابات بعدی در منطقه خواهد بود. از این منظر مردم تونس مردم ایران را تا بدست آوردن پیروزی در کنار خود خواهند داشت.

های مشروع و انسانی مردم ایستاده و به سرکوب مبارزات مردم بپردازد. برای هر حکومت و رئیس جمهور حتی شرافتمندی صیانت از مالکیت خصوصی و حفظ اقتدار سرمایه پیش فرض و یک وظیفه قانونی است و حمله به این ساختار سیاسی لاجرم با ارتش و پلیس و دستگاه سرکوب پاسخ می گیرد. امروز مردم تونس در کنار رئیس جمهور علیه جنایتکاران اسلامی ایستاده اند. این خوب است ولی کافی نیست. همانگونه که به اعتراف فعالین سیاسی تونس در انقلاب سال ۲۰۱۱ که گفتند از فعالین و مبارزین ایرانی در قیام ۸۸ الهام گرفته اند این بار نیز با الهام از مبارزات مردم و کارگران ایران، باید شروع به ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در محلات و محل های کار و غیره کرد و به ایجاد تشکلات سراسری خویش همت گماشت. باید فعالین و رهبران کارگری به صف اول مبارزه آمده و این مسئولیت تاریخی را به عهده گیرند. ایجاد

این نسل آگاه تر از گذشته، جانوران مافیای اسلامی را زیر نظر دارد و اجازه نخواهد داد تا اسلامیون به خیزش مردم خون بپاشند تا محمد مرسی دیگری بر اریکه قدرت لم دهد. هر چند نیروهای اسلام سیاسی شانس چندانی برای کسب مشروع قدرت ندارند دقیقا به همین دلیل بسیار خطرناک ترند.

ده سال از انقلاب تونس، مشهور به "انقلاب یاس" یا مادر انقلابات بهار عربی می گذرد بدون آنکه این جایابی قدرت، منجر به بهبود زندگی اکثریت مردم زحمتکش این کشور شده باشد. هنوز ده ها هزار محمد بو عزیز " برای گذران روزمره زندگی باید دست فروشی کنند. و صد ها هزار بیکار و میلیون ها نفر زیر خط فقر فقط برای زنده ماندن باید به دنبال زندگی بدونند.

ممکن است در پیچ بعدی تحولات سیاسی تونس، جناب رئیس جمهور پا به فرار گذارد یا عملا در مقابل خواسته

اینکه اکثریت مردم تونس در اعتراضات اخیر مخصوصا در حمایت از تصمیم رئیس جمهور مبنی بر برکناری نخست وزیر و تعلیق پارلمان آنرا به روشنی نشان داده اند.

خوشبختانه نسلی که ده سال پیش در کف خیابان به مصاف "زین العابدین بن علی" دیکتاتور و حکومت توتالیتر و قهارش رفت و از اریکه قدرت به زیر کشید. نسلی که راشد الغنوشی را که از تبعید برگشته بود و ادار نمود بگوید که مخالف انقلاب اسلامی است و دولت آینده باید سکولار باشد، امروز

صبح روز یکشنبه ۲۵ جولای، قیس سعید رئیس جمهور تونس طی حکمی "و هشام الشیشی" نخست وزیر این کشور را برکنار کرد. همزمان فعالیت های پارلمان این کشور را به مدت یکماه به تعلیق درآورد. گفته می شود اقدام قیس سعید، پاسخی به نارضایتی های وسیع و عمومی مردم از دولت و پارلمان این کشور است. نارضایتی به عدم توانایی دولت در مهار گسترش ویروس کرونا، واکسیناسیون عمومی و مدیریت این بحران. هفته ها پیشتر از صدور این حکم، ده ها هزار نفر از مردم تونس در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و بیکاری و بی واکنسی در شهرهای مختلف تونس به خیابان ها ریخته بودند. آنها خواستار بهبود شرایط زندگی بوده و علیه جریانات اسلامی در دولت و پارلمان این کشور شعار می دادند.

حکم قیس سعید بعد از حداقل شش ماه کشمکش حاد سیاسی بین وی به عنوان شخصیتی مستقل از احزاب موجود و حزب اسلامی "النهضة" که دولت و پارلمان تونس به ریاست "راشد الغنوشی" رهبر حزب النهضة را در دست دارند، در حالی صادر می شود که آنها رئیس جمهور را به کودتا علیه دولت متهم نموده و تهدید به مقابله مسلحانه نموده اند. اینکه چنین تهدیدی چقدر جدی است یا توپ تو خالی است، نباید در این شک کرد که اسلامیون برای رسیدن به قدرت سیاسی، از دست بردن به اسلحه و هر گونه اقدام جنایتکارانه فروگذار نخواهند کرد. فعلا بالانس قدرت به ضرر اسلامیون است و به ویژه



ازدواج کودکان محصول توحش اسلامی



عبدل گلپریان

قبل از آن یعنی پاییز ۱۳۹۸ (۶۳۲۵ عقد رسمی) و پاییز ۱۳۹۷ (۵۸۴۷ عقد رسمی) دست کم افزایشی ۱۰ درصدی داشته است.

قطعا آمار واقعی بسیار بیشتر از ارقامی است که مرکز آمار آنرا منتشر کرده است اما تا همین سطح هم فاجعه بار و تکاندهنده است. این در حالی است که ازدواج دختران و پسران زیر ۱۸ سال که بنا بر تعاریف بین‌المللی کودک محسوب می‌شوند، نقض آشکار معاهده جهانی حقوق کودک است. در حالیکه در بسیاری از کشورهای متمدن و پیشرفته اروپا تجاوز به جسم و روان کودک تحت عنوان ازدواج، نقض آشکار حقوق بشر است و نقض کنندگان آن با پیگرد و مجازات روبرو خواهند شد، قوانین قضایی حکومت اسلامی آنرا مجاز می‌شمارد.

مهمترین مسئله ای که قابل تامل و بررسی است این است که چرا ازدواج دختران زیر سن قانونی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و دیگر کشورهای اسلام زده به عرف و قانون تبدیل شده است، عوارض مخرب و نابود کننده آن چه می‌تواند باشد و راه پایان دادن به آن چیست؟

ازدواج یا در واقع تجاوز به دختران زیر سن قانونی در قوانین و فرامین حاکمیت اسلامی و دیگر کشورهای اسلام زده متاثر از سنتهای اسلامی زمان ظهور اسلام است. از ابتدای پیدایش مذاهب تا به امروز تجاوز به حقوق انسانی زن و کودک در تمامی مذاهب امری رایج بوده است.

علی رغم اینکه جنبش های رادیکال و مدافع حقوق انسانی در غرب و بسیاری از کشورها توانسته اند تجاوز به حقوق زنان و کودکان را افسار بزنند اما اسلام و قوانین آن در کشورهای اسلام زده همچنان به تجاوز آشکار برگرفته از فرامین اسلام ادامه می‌دهد. رژیم اسلامی حاکم بر ایران در راس تمامی کشورهای اسلام زده یکه تاز این جنایت علیه کودکان است.

در کنار قوانین ضد کودک حکومت اسلامی باید به فقر، ناداری، خیل وسیع کودکان کار و خیابان، عدم برخورداری کودکان از ابتدایی ترین امکانات تحصیلی و تباهی زندگی میلیونها خانواده فقیر، بیکار و تنگ دست اشاره کرد که برای برون رفت از فقر اقتصادی ازدواجهای زیر سن قانونی به آنان تحمیل شده

جنایتی آشکار علیه کودکان محسوب کرد. پایان دادن به این جنایت و پایان دادن به تجاوز اسلامی به جسم و روان کودک امر جنبش دفاع از حقوق کودک، امر فعالین مدافع حقوق انسانی و امر تمامی جنبشهای رادیکال، انسانی و برابری طلب در ایران است. این جنبشها به قدمت ظهور توحش اسلامی ضد کودک، ضد زن و ضد انسان در ایران، مبارزه ای بی امان را علیه تجاوز به حقوق کودکان را نمایندگی کرده اند. تقویت هر چه بیشتر جنبش برای دفاع از حقوق کودک در این شرایط بسیار مهم است و در شرایطی که کل جامعه علیه بربریت اسلامی به پا خاسته است دفاع از حقوق کودکان اهمیت صد چندان و جایگاه مهمی پیدا میکند. با سرنگونی حکومت اسلامی بوسیله انقلاب مردم پیا خاسته و حق طلب در سراسر کشور و ایجاد مناسبات و ساختاری انسانی، کودکان نیز به دنیای کودکانه، شاد، ایمن و خلاق خود باز خواهند گشت.

است. پدیده ازدواج دختران ۱۰-۱۴ سال تنها تجاوز جنسی و تجاوز به حقوق انسانی آنان از سوی حکومت اسلامی و قوانین آن نیست بلکه مهمتر از آن عوارض بجا مانده در اثر این نقض آشکار حقوق کودک بر جسم و روان و بر روی آینده آنان است. کودکان به جای کودکی کردن، بجای برخورداری از یک زندگی سالم، ایمن و خلاق و بجای رشد خلاقیت و استعدادهایشان از همان ایام کودکی زندگی و آینده شان تباه میشود. آنان در اثر همین تجاوز قانون اسلامی دچار امراض جسمی و روانی می شوند که اثرات مخرب و نابود کننده آن تا پایان عمر به همراه آنان خواهد ماند. فرزندان که از این دختران زیر سن قانونی متولد می شوند نیز به دلیل نارسایی های طبیعی و جسمی اغلب دچار مشکلات جدی فیزیکی میشوند و یا به دلیل بیماریهای مختلف در سنین کودکی تلف میشوند.

هر چه از آسیبهای این ازدواجهای کودکان از زاویه علمی، روانشناسی، پزشکی بگوییم کم گفته ایم. کودک همسری و رسمیت یافتگی آن در قوانین اسلامی حاکم بر ایران را باید بعنوان

مرکز آمار ایران از ثبت بیش از ۲۳ هزار ازدواج رسمی دختران ۱۰ تا ۱۴ سال در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۹ در ایران خبر داده است. خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، روز جمعه، اول مرداد - ۲۳ ژوئیه - ضمن انتشار جزئیات گزارش مرکز آمار ایران، از ثبت ازدواج ۷۳۱۷ دختر ۱۴-۱۰ ساله تنها ظرف پاییز سال گذشته خبر داده که در مجموع جمع کل ازدواج دختران ۱۴-۱۰ ساله در این کشور طی فصول بهار، تابستان و پاییز سال ۱۳۹۹ را به ۲۳ هزار و ۷۹۷ مورد رسانده است. بنابر جداولی که این خبرگزاری از مرکز آمار ایران استخراج کرده است، در خلال پاییز سال گذشته همچنین بیش از ۳۶ هزار دختر ۱۹-۱۵ سال به عقد رسمی در آمده‌اند. آمار مربوط به ازدواج دختران ۱۴-۱۰ ساله - یعنی ۷۳۱۷ ازدواج - طی سه ماهه پاییز ۹۹ نسبت به پاییز دو سال

ماهواره یاه ست

ماهواره یوتلست

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

پولاریزاسیون: عمودی

فرکانس های

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

اف ای سی: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

در ماهواره های:

از غریبه ها در تظاهرات آب نمیگیرم

ترجمه فارسی مطلب در مورد امنیت مینا احدی در "ولت ام سونتگ" آلمان



مینا احدی

میخواستند توجه ها را به ترور های حکومت اسلامی در خارج کشور در غرب جلب کنند. با وجود اینها دولتها با این حکومت نه فقط قراردادهای مثل قرارداد اتمی را امضا میکنند، بلکه فعالیتهای این حکومت در آلمان را هم امکان پذیر میکنند.

در هامبورگ یک قرارداد رسمی با سازمانهای مذهبی بسته میشود با وجود اینکه این حدس و گمان وجود دارد مرکز اسلامی هامبورگ فقط یک سازمان مذهبی ساده نیست. اکنون مرکز دفاع از قانون اساسی در هامبورگ، بر اساس مدارک جدیدی که به دست آورده است، تأیید میکند که این مرکز نماینده جمهوری اسلامی ایران در اروپا است.

همین روزها اعلام شد که جاسوسان حکومت اسلامی، میخواستند یکی از همراهان با مینا احدی را بربایند. مسیح علی نژاد در بین جمعیت انگلیسی زبان فردی شناخته شده است. او در کنار فعالیتهای دیگر، گزارشاتی که از طریق تلفن دستی برایش می آید را منتشر میکند که شرایط در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را افشا میکند. بعد از اینکه "اف بی آی"، دزدیدن او را مانع

بلکه خواهان همه حقوق انسانی برای همه مردم ایران است. همین روزها هم هزاران نفر در ایران، علیرغم خطر جانی برای آزادی و بر علیه شرایط غیر قابل تحمل زندگی بدون آب و برق دارند مبارزه میکنند. مینا خودش هم به خیابان میرود، او تنها کسی هست در بین دوستان و اطرافیان من که در طول بیماری کرونا، دلش برای تظاهرات در خیابان تنگ شده بود. اینکه در طول این پاندمی کرونا، توجه به معضلات اجتماعی کمتر است، و وقتی من ایران می گفتم مینا جواب میداد، ولی ما باید کاری بکنیم.

تا جایی که به حکومت اسلامی ایران مربوط میشود، بی توجهی دولت آلمان به این مسائل فقط محدود به دوره پاندمی کرونا نیست. مدتها قبل از این پاندمی احدی و همراهان او،

در ایران نقض حقوق انسانی و ترور امری روزمره است. فعال سیاسی مینا احدی علیرغم این خطرات، در مقابل حکومت اسلامی ایستاده است، او نمیتواند روی محافظت دولت آلمان از خودش زیاد حساب باز کند.

"به ما باید کاری بکنیم، این جمله ای است که مکرر از دوست خودم مینا احدی می شنوم، ایرانی تبعیدی خستگی ناپذیر فعالیت میکند تا جنایات حکومت اسلامی را در دنیا مطرح کند، حکومتی که همسر اول او را اعدام کرده است. با یک کمپین بین المللی احدی توانست حکومت اسلامی ایران را وادار کند، دیگر زنان را سنگسار نکند.

اما احدی فقط بهبودهای کوچک را نمیخواهد، "اعدام های انسانی تر" را نمی خواهد

رباید، کسانی که در مقابل این حکومت می ایستند. روح الله زم یک پناهنده به کشور فرانسه، سال قبل در یک توطئه به عراق کشانده شد، و حکومت او را دستگیر و سپس اعدام کرد. همچنین احدی مدتهای مدید زیر نظر پلیس زندگی میکرد.

در این مدت اخیر علیرغم خطر ترور و روشن شدن ظرفیتهای خطرناک حکومت اسلامی، او را به پلیس محلی ارجاع داده اند. پلیس معمولی که با ارزیابی از اوضاع بین المللی زیاد آشنا نیست.

زنانی همچون مینا متاسفانه نمیتوانند در دفاع از آزادی و امنیت خود به دولت آلمان زیاد اتکا کنند. آنها به کار خود ادامه میدهند در شرایطی که دولت آلمان با حکومت اسلامی معامله و مذاکره میکنند در حالیکه باید با آنها مقابله کنند.

ربه کا شونن باخ اقتصاددان، متخصص اسلام گرایی و عضو هیئت مدیره زنان برای آزادی است. وی در مورد اقدامات علیه افراط گرایی به شرکت ها و مقامات بین المللی مشاوره می دهد. ستون هر ۱۴ روز یک بار ظاهر می شود.

شده علی نژاد گفت: بزرگترین خطر برای حکومت اسلامی مردم ایران هستند، بهمین دلیل او میخواست مرا بکشد، "زیرا صدای مخالفان در خارج از کشور نه تنها اعتبار رژیم را در سطح بین المللی به خطر می اندازند، بلکه مستقیماً به بنیان های آن حمله می کنند. به همین دلیل آنها می خواهند مرا بکشند."

این حکومت بر اساس یک تفسیر بسیار رادیکال از اسلام، همه این جنایات را توجیه میکند، تفسیری که در آن تحت ستم بودن زنان یک پایه مهم آن است. زنانی همچون علی نژاد و احدی نشان میدهند که تبلیغات رژیم مبنی بر سنتی بودن این فرهنگ درست نیست. اینها با موفقیت به دنیا نشان میدهند که اینکه همیشه تحت ستم بودن زنان یک بخش مهم فرهنگ ایرانی بوده را رد میکنند، با مطرح کردن زندگی خودشان این داستان های زندگی یک تاریخ مهم در مبارزه برای برابری را نشان میدهد که از زمان به قدرت رسیدن خمینی آنرا پاک کرده اند.

برای اینکه رژیم اسلامی قدرت خود را حفظ کند، حتی در خارج کشور مخالفین را می

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

باید سران رژیم و همه آمرین و عاملین
کشتارهای اخیر و کله جنایات جمهوری اسلامی
در چهل سال گذشته تحت پیگرد قرار بگیرند و در
داوگاههای بین المللی به محاکمه کشیده شوند!

قرار در مورد رفع تبعیض زبانی

با توجه به اینکه

- تبعیض زبانی یکی از مصادیق مهم ستم و تبعیض ملی در ایران است؛
- برنامه یک دنیای بهتر خواهان ممنوعیت زبان رسمی اجباری است و اعلام میکند:

” دولت میتواند یک زبان از زبانهای رایج در کشور را به عنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هرکس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد.

“

دفتر سیاسی برای رفع تبعیض زبانی در ایران بر نکات زیر تاکید میکند:

۱- زبان رسمی اجباری باید لغو شود و از میان زبانهای رایج یک زبان به عنوان زبان آموزشی و اداری اصلی و سراسری انتخاب بشود.

۲- در استانها و مناطقی که زبانی غیر از زبان سراسری رایج است، علاوه بر زبان سراسری، امکان تحصیل در همه سطوح به زبان مادری باید فراهم شود. در این مناطق باید خدمات دولتی و اداری و اجتماعی در کنار زبان سراسری به زبان مادری نیز برای همگان در دسترس باشد.

۳- همه مردم در سراسر کشور حق دارند به زبان مادری خود فعالیت اجتماعی و سیاسی و ادبی و هنری و علمی و رسانه ای داشته باشند.

۴- در سراسر کشور زبان اصلی تدریس میشود. آموزش زبان اصلی، بعنوان زبان سراسری ارتباط همه مردم با یکدیگر، برای همه شهروندان الزامی است.

۵- زبان انگلیسی زبان بین المللی علم و صنعت و هنر جهان عصر ما است. ازینرو به منظور امکان شرکت مستقیم تر و فعالانه تر مردم در پیشرفتهای علمی و فرهنگی جهان معاصر و کمک به بهره مندی جامعه از مواهب این پیشرفتهای، زبان انگلیسی، با هدف تبدیل تدریجی آن به یک زبان آموزشی و اداری متداول در ایران، از اولین سالهای تحصیلی در همه مدارس کشور باید آموزش داده شود.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱، سوم مرداد ۱۴۰۰

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۷۴۲۵

اینبار جوانان معترض سرابله ایلام بنر خامنه ای را به آتش کشیدند



این بنر نماد بیش از چهل و دو سال بیحقوقی، اعدام، سنگسار، شلاق، شکنجه و تحمیل فقر و فلاکت توسط حکومت دزدسالار اسلامی به میلیونها نفر است.



به آتش کشیدن بنر خامنه ای

۹:۳۰ شب، ۵ مرداد ۱۴۰۰

اصفهان؛ بهارستان؛ میدان ولی عصر

معترضان، بنر خامنه ای را آتش زده و شعار می دهند:

#مرگ_بر_خامنه_ای

از کانال تلگرام انقلاب زنانه

قتل کمترین محبوب افغانستان

رسیدنشان به قدرت را فراهم می کنند. دولتهای غربی و کشورهای روسیه و چین هم خود از عوامل پیدایش چنین فاجعه ای در افغانستان امروز هستند. باید ماماشات و سکوت همه دولتها و سازمانهای بین المللی را محکوم کرد و آنها را وادار به پاسخگویی کرد.

چنین وضعیت فلاکتباری در افغانستان و ایران و جولان طالبان قاتل نه برای مردم افغانستان که حتی برای ما مردم ایران نیز برای یک لحظه پذیرفتنی نیست و در برابر آن خواهیم ایستاد. سوی دیگر این مبارزه با اسلام سیاسی دارد در ایران اتفاق می افتد و در مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی، باور ما بر این است که سرنگونی جمهوری اسلامی می تواند قلب اسلامی سیاسی در کل خاورمیانه را از کار بیاندازد و داعش و طالبان و غیره را خلع سلاح کند. زنده باد مقاومت مردم شریف افغانستان. درود بر همبستگی بین المللی مردم خاورمیانه.

میثم عتیق

و در مواجهه با مقاومت مردم افغانستان، یک لحظه نیز نباید سکوت کرد.

بازگرداندن و میدان دادن مجدد دولتها به طالبان به قدرت سیاسی در افغانستان، یک بار دیگر آینده ای به شدت تاریک را پیش روی میلیونها مردم افغانستان و منطقه تجسم کرده که قربانیان اولیه آن را میتوان زنان، کودکان، آنتیستها، رنگین کمانیها و هر بخش مترقی از جامعه افغانستان دانست. یکبار دیگر می خواهند دست به دامن اسلام سیاسی شوند تا خاورمیانه را از عروج نیروهای پیشرو و مدرن و انقلابات عظیم اجتماعی در امان نگه دارند؛ حال آنکه شرایط به نسبت چند دهه قبل دگرگون شده و اسلام سیاسی در خاورمیانه آسیب های جدی متحمل شده است.

اما این جانین اسلامی در قامت طالبان از هوا روی زمین سبز نشده اند؛ همین امروز دولتهایی نظیر جمهوری اسلامی و پاکستان دارند آشکارا از آنها حمایت می کنند و مقدمات



خاشه، کمترین شناخته شده و محبوب در افغانستان دیروز به دست نیروهای طالبان به قتل رسید و تا امروز با انتشار ویدئو و عکسهایی مربوط به دستگیری و قتل او در تلاش هستند تا ارباب و وحشتی سراسری را در میان مردم افغانستان ایجاد کنند.

چنین جنایت آشکاری، مشتبی است نمونه خروار که ذات کثیف اسلام سیاسی متجلی در طالبان را به نمایش می گذارد؛ این جنایت قویا محکوم است و باید در سطح سراسری، مردم معترض، سازمانها و نهادها و احزاب، هنرمندان و دولتها را به میدان آورد تا در برابر چنین تعرضی به کرامت انسانی در قرن بیست و یک بایستیم. در برابر چنین فجایع انسانی

کارتونی از مانا نیستانی که نقش کسانی از جمله الهه هیکس در سرکوب مردم معترض ایران را به نمایش می گذارد!

در جریان انتصاب آیت الله اعدام به ریاست جمهوری هم چپ و راست در رسانه های خارج کشور ظاهر میشد و برای گرما دادن به تنور خاموش "انتخابات" خزعبلات می بافت که صندوق رای یک "حق" است و باید شرکت کرد. و آنقدر بیشرم هست که تبلیغ برای معرکه حکومتی را تحت عنوان فعال حقوق بشری در رسانه های خارج از کشور بیان میکند.

باید دم این "الهه" متعفن جمهوری اسلامی در خارج کشور را گرفت و از همه رسانه بیرون انداخت.

او شریک جرم آدمکشان حاکم در ایران است!

محسن ابراهیمی



دم الهه هیکس را بگیرد و از همه رسانه ها بیرون بیاندازد!

مردم تشنه خوزستان در کف خیابان به ستم و ظلم جمهوری اسلامی اعتراض میکنند، نیروهای امنیتی بیرحمانه مردم را به گلوله می بندند، و این "پرستوی" جمهوری اسلامی در خارج با وقاحت و بی شرمی خطاب به مخاطب انگلیسی زبان تویت می کند که افراد مسلح در میان تظاهر کنندگان هستند که توسط اسرائیل آموزش دیده و حمایت مالی و پشتیبانی میشوند!

این مزدور حکومت اسلامی

"هر گونه پرونده سازی برای فرزانه زیلابی محکوم است!"

مجدد (در شعبه ۲) در دادگاه انقلاب اهواز به چهار اتهام انتسابی دیگر می بایستی حضور داشته باشند. دوشنبه ۴ مرداد/۱۴۰۰ سندیکای کارگران نیشکر هفت

است را محکوم کرده و خواهان پایان دادن به این روند پوسیده و نخ نمای پرونده سازی برای وکیل کارگران نیشکر هفت تپه می باشد. در ضمن لازم به ذکر است که فرزانه زیلابی در تاریخ ۳۱ مرداد

شهرستان اهواز محاکمه؟! میشوند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هرگونه پرونده سازی برای وکیل کارگران هفت تپه را که تنها به وظیفه حرفه ای خود که همانا دفاع از موکلین خود بوده

زیلابی وکیل کارگران هفت تپه، یعنی انتقام گرفتن از کارگران.

فرزانه زیلابی وکیل کارگران نیشکر هفت تپه روز سه شنبه پنجم مرداد ۱۴۰۰ به اتهام نشر اکاذیب در بیدادگاه عمومی

خوزستان تشنه، غرق در خون است، کارگران در اعتصاب هستند، فرزانه زیلابی محاکمه می شود!

هر گونه پرونده سازی برای خانم فرزانه زیلابی محکوم است! پرونده سازی و محاکمه فرزانه

اطلاعیه های حزب



همبستگی های جهانی با کارگران اعتصابی نفت گسترش می یابد جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج و در سطح جهان بایکوت شود

جوزف داهر استاد دانشگاه روزان و یکی از رهبران حزب سولیداریتی چپ سوئیس

پیتر تاجل مدیر بنیاد پیتر تاجل و کمپینر سیاسی

مسعود ارژنگ دبیر لوکال ۸۰۳ اتحادیه خدمات بهداشتی جامعه در ونکوور کانادا

پیتر تاتچل (مدیر بنیاد پیتر تاتچل)

مسعود ارژنگ ، دبیر لوکال 803 اتحادیه خدمات بهداشتی جامعه

...

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

(فری دم ناو)

(Free Them Now (FTN

Shahla.daneshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com

29 ژوئیه 2021

کنیم و همانطور که قبلاً نیز اعلام کردیم ، رژیم اسلامی ایران باید به دلیل سرکوب مداوم کارگران در ایران، از آی ال او سازمان جهانی کار اخراج گردد و در سطح جهان بایکوت شود. ما به کارگران اعتصابی نفت درود میفرستیم و بار دیگر همبستگی خود را با این کارگران و همه کارگران معترض در ایران ابراز می کنیم.

امضاها:

استفان وان سیچوفسکی دبیر کل شورای کارگری ونکوور و حومه (VDLC)

سعيد نعمنا دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگری،

استفان وان سیچوفسکی دبیر کل شورای کارگری ونکوور و حومه (VDLC)

جان کلارک کمپینر و استاد دانشگاه در کانادا

سمیر نوری سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام در عراق

مالی و همچنین اخراجهای گسترده تر بالای سر کارگران قرار دارد. ما ، امضاکنندگان این نامه از کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) تشکر میکنیم که از اخبار این اعتصاب گسترده کارگران نفت و وضعیت خطیر کارگران در این مبارزات ما را مطلع نگه میدارند و حمایت قاطع خود را از مبارزات و خواسته های این دهها هزار کارگر اعتصابی ابراز میداریم. حق تشکل، اعتصاب و اعتراض حقوق پایه ای همه کارگران است. ما نقض مداوم این حقوق توسط حکومت اسلامی را رار محکوم میکنیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران زندانی ، معلمان و زندانیان سیاسی در ایران هستیم.

ما همچنین مطلع هستیم که رژیم اسلامی در مواردی در مقابله با مبارزات کارگران آنها را به مجازات شنیع شلاق و زندانهای طویل المدت محکوم میکند. یک نمونه اخیر آن مجازات معلم بازنشسته اسماعیل گرمای به پنج سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق به جرم شرکت در تظاهرات است. ما صدور چنین احکام شیعی را شدیداً محکوم می

از ۱۰۵ میدان نفتی در حال اعتصابند و خواست آنها افزایش دستمزد، ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی در ماه، شرایط امن کار و بهبود شرایط زندگی و همچنین بهبود وضعیت غذایی در مراکز کار است که همه اینها بسیار نا مرغوب و غیر قابل تحمل است. ما همچنین مطلع شده ایم که یکی از تلاشهای حکومت ایجاد شوراها برای تشدید کنترل خود بر کارگران است و کارگران با آن مخالفند و بر حق تشکیل سازمانهای واقعی خود و حق تجمع و اعتراض تاکید دارند. از طرف دیگر ، پیمانکاران در تلاشند تا با اخراج کارگران روز مزد و بالا کشیدن دستمزدهای پرداخت نشده کارگران، با اعتصاب گسترده کارگران نفت مقابله کنند.

کارگران اعتصابی نفت در عوض خواستار خلع ید از پیمانکاران و بازگشت کلیه کارگران اخراج شده به سر کار خود هستند. یک گام مهم اعتصاب کارگران نفت تشکیل شورای اعتراضات کارگران است که نقش هماهنگی موثری در این اعتصاب دارد. اکنون ، پس از ۲۵ روز خطر فشار

سعید نعمنا دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگری در عراق، استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران خدمات دولتی بریتیش کلمبیا، استفانی ون سیچوفسکی دبیر کل شورای اتحادیه های کارگری بریتیش کلمبیا، سمیر نوری سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام در عراق، جوزف داهر از رهبری حزب سولیداریتی چپ سوئیس، پیتر تاجل مدیر بنیاد پیتر تاجل و از کمپینر های سیاسی شناخته شده جهانی در انگلیس و جان کلارک یکی دیگر از کمپینر های سیاسی شناخته شده از کانادا و مسعود ارژنگ از فعالین اتحادیه ای در ونکوور کانادا با گذاشتن امضا در زیر نامه ای که کمپین برای آزادی کارگران زندانی به شماری از اتحادیه های کارگری در سطح جهانی ارسال کرده و طلب حمایت از کارگران اعتصابی در نفت را کرده است پاسخ مثبت دادند. متن نامه چنین است:

ما از کارگران اعتصابی نفت در ایران حمایت می کنیم

مطلع شده ایم که ده ها هزار کارگر پیمانکاری نفت در بیش

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۳

بایکوتشان کنیم!

در سرایشیب سقوط رژیم ننگ و جنایت اسلامی شاهد رویدادهایی از این نوع بارها خواهیم بود.

همزمان با محاکمه حمید نوری یکی از جلادان و دستیاران رئیسی با دادخواست مشارکت در قتل هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ در استکهلم سوئد در تهران قرار است رئیسی ارباب حمید نوری را در روز پنجشنبه ۱۴ مرداد (پنجشنبه ۵ اوت) و در سالگرد صدور فرمان مشروطیت غسل تعمید دهند، کفش خامنه‌ای را بلیسد و به اصطلاح رئیسی جمهور جامعه‌ای ۸۰ میلیونی و مدرن و امروزی که روز مره مردم عاصی فرمان مرگ و سرنگونیشان را در خیابان صادر میکند، بشود!

مناسک تحلیف رئیسی تبهکار در ۵ اوت را به مراسم اعتراض علیه رژیم تبهکار اسلامی تبدیل کنیم!

اعلام کنیم این اوباش نماینده ما مردم نیستند! او و دیگر سلاخان حاکم باید دستگیر و در کنار امثال حمید نوری‌ها محاکمه شوند.

این فرمان مردم و خواست ما میلیونها انسان به تنگ آمده است.

روز مسخره مناسک تحلیف را به روز دادخواهی میلیونها کارگر، زن، پیر و جوان علیه اقلیت و باندهای مافیایی تبهکار حاکم تبدیل کنیم.

فریاد خشم مردم باشیم فریاد و اتحادی که آخرین ضربات را بر قلعه پوسیده و درهم ریخته رژیم جنایت اسلامی وارد خواهد کرد.

سرنگون باد رژیم جهل و جنایت اسلامی!
زنده باد آزادی و برابری!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ جولای ۲۰۲۱



Hamid Nouri is on trial for crimes against humanity!

Hamid Nouri's trial is the first step towards justice for the victims of the 1988 prison massacres in Iran!

International Committee Against Executions (ICAE)
کمیته بین‌المللی علیه اعدام

محاکمه حمید نوری در سوئد، شروع آغاز محاکمه سران ریز و درشت جمهوری است به جرم قتل عام زندانیان سیاسی و جنایت علیه بشریت!

پیروزی بزرگ برای جنبش دادخواهی

دادستانی سوئد کیفرخواست حمید نوری متهم به مشارکت در کشتار زندانیان

سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ را صادر کرد.

اعتراضات در خوزستان مردم در بستان هم به خیابان آمدند

در ادامه خیزش مردمی در خوزستان شب گذشته ساکنین شهر بستان نیز در اعتراض به بی آبی و عدم تحقق وعده های مقامهای حکومتی بار دیگر به خیابانها آمدند و شعارهای اعتراضی سر دادند.

در روزهای گذشته گفته شد با باز شدن سد کرخه آب به مناطق پایین دست رسیده و بخش اعظم هورالعظیم آبیگری شده است اما مردم محلی با انتشار ویدیو هایی نشان دادند که این ادعای مقامات دروغ بوده و رودخانه کرخه همچنان خشک و بی آب است. بر اساس خبرها علاوه بر بی آبی، در اغلب محلات اهواز برق هم یک روز در میان ساعتها قطع می شود. روز گذشته ۶ مرداد اهالی آخرآسفالت اهواز بعد از دو ساعت تماس های تلفنی متعدد موفق شدند ماموران سازمان برق را به منطقه بکشانند. ماموران در پاسخ به مردم معترض اطلاع دادند که مشکل از کابل های برق است و کابل جدید ندارند که کابل های فرسوده و قدیمی را تعویض کنند. بدین ترتیب در گرمای پنجاه درجه مردم محله بدون امکان استفاده از وسایل خنک کننده در تنور گرمای سوزان تابستانی رها شده اند.

از سوی دیگر بر اساس خبرها تعدادی از کامیون داران در اهواز در روز گذشته ۶ مرداد در اعتراض به گرانی ها و هزینه های بالای یدکی های کامیون و وضع اسفناک زندگی خود با متوقف کردن کامیون هایشان در کنار اتوبان دست به اعتصاب زدند. این درحالیست که کارگران پیمانی نفت که بخشی از آنها در خوزستان کار و زندگی میکنند در اعتراض به شرایط سخت معیشتی و با خواست محوری افزایش حقوقها همچنان در اعتصابند. اعتصاب در نیشکر هفت تپه نیز ادامه دارد. اعتصابات کارگری و اعتصاب عمومی میتواند یک بخش مکمل اعتراضات خیابانی مردمی باشد.

بنا بر اخباری دیگر شب گذشته در اهواز سه جوان اهل سوسنگرد که برای در امان ماندن از

دستگیری های فله ای و گسترده ای که طی روزهای اخیر در سوسنگرد صورت گرفته به اهواز آمده بودند. در منطقه پردیس با پست ایست و بازرسی نیروهای لباس شخصی مواجه شده و ماموران امنیتی به سوی اتومبیل آنها تیراندازی کردند. در جریان این تیراندازی، یک جوان بیست و سه ساله بنام "علی سواری" در اثر اصابت مستقیم گلوله کشته شده است. "مهدی سواری" نوجوان دیگری که سرنشین اتومبیل بود زخمی شده و به گفته نزدیکانش اکنون در سی سی یو بستری بوده و راننده ماشین هم بلافاصله بازداشت شده است.

همچنین طبق خبرهای دریافتی مهدی حبیب الساری جوان هجده ساله ای که چند روز پیش در جریان اعتراضات مردمی در خوزستان بخاطر اصابت گلوله زخمی شده بود شب گذشته جان باخت. درگذشت این عزیز را به خانواده وی و به همگان تسلیت میگوییم. گرامیداشت یاد جنابختگان را به صحنه پرشور اعتراضاتمان تبدیل کنیم.

در طول اعتراضات شهرهای مختلف استان خوزستان، شمار بسیاری از شهروندان معترض توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند. از تعداد دقیق بازداشت شدگان اطلاع دقیقی در دست نیست اما به گفته منابع محلی، بنا بر خبر صدها نفر در جریان این اعتراضات تاکنون دستگیر شده اند که شمار زیادی از آنان نوجوانان کم سن و سال هستند. در ادامه اعتراضات مردمی، کارزار برای آزادی بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان یک عرصه مهم از مبارزه است. این کارزار را باید سراسری جلو برد. باید همراه با خانواده های دستگیرشدگان تجمع کرد و برای آزادی بازداشت شدگان اخیر فشار آورد. شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد باید به شعار سراسری در همه جا تبدیل شود.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان

7 مرداد - 1400 29 ژوئیه 2021

لیستی از حمایت های و همبستگی با خیزش مردمی در خوزستان:

- تجمع جمعی از بازنشستگان تهران و کرج در حمایت از اعتراضات مردم خوزستان

- جمعی از روزنامه نگاران و خبرنگاران داخل ایران، انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران

- اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نقاشان البرز، شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران

- بیانیه مشترک انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، گروهی از ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه، گروهی از رانندگان تاکسی شهرک ظفر، گروهی از فارغ التحصیلان بیکار دانشگاه رازی کرمانشاه، گروهی از کارگران جوشکار شهرک دولت آباد، گروهی از کارگران شرکت گاز رسانی شهر سنندج، گروهی از کارگران ساختمانی سنندج، گروهی از کارگران دستفروش سنندج، گروهی از زنان کوهنورد شهر سنندج، گروهی از کارگران نانوائی های شهر سنندج، گروهی از زنان خانه دار شهر سنندج، گروهی از معلمان شهر میروان، گروهی از کارگران مرعداری های میروان، گروهی از کارگران ساختمانی اشنویه، گروهی از کارگران ساختمانی نقره، گروهی از کارگران ساختمانی کرمانشاه، گروهی از فعالین لغو کار کودکان تهران، ندای زنان ایران، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان خطاب به کودکان خوزستان

- کارگران فولاد اهواز، و کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه،

- ۱۴۰ نفر از فعالان صنفی معلمان و فعالان مدنی

- تجمع روز گذشته ۲۹ تیرماه جمعی از فعالین مدنی، کارگری،

معلمان و مادران دادخواه در حمایت مقابل وزارت کشور تجمع کردند. این تجمع با یورش نیروهای سرکوبگر حکومت روبرو شد و در جریان آن ۹ نفر از تجمع کنندگان به اسامی آرش صادقی، رسول بداقی، نرگس محمدی، جعفر عظیم زاده، پوران ناظمی، روح الله مردانی، آرش کیخسروی، حمید اصفی و بهزاد همایونی بازداشت شدند و به پلیس امنیت گیشا منتقل گردیدند. بازداشت شدگان در ساعات اولیه بامداد چهارشنبه به تدریج آزاد شدند.

- انجمن جهانی پاداشت حقوق بشر، عفو بین الملل و سازمان دیدبان حقوق بشر

- مادران دادخواه از جمله مادر امیر حسن زارع زاده و میلاد محققی از جانباختگان آبان ۹۸ و شهین مهین فر مادر امیر ارشد تاجمیر از جانباختگان سال ۸۸

- بیانیه بیش از ۳۳۰ نفر از سینماگران در حمایت از مردم خوزستان و پیوستن ۷۰۰ منتقد و فعال مستقل سینما به کمپین حمایت از خوزستان

- بیانیه ۱۳۰ مستند ساز ایرانی با اعلام اینکه: "در کنار تشنگان خوزستان می مانیم و سرکوب شان را به شدت محکوم می کنیم". بیانیه کانون نویسندگان ایران و ۲۳۰ وکیل دادگستری در حمایت از اعتراضات مردمی در خوزستان

- بازیکنان تیم فوتبال صنعت نفت آبادان از مردم خوزستان، علی کریمی، ستاره پیشین فوتبال ایران

- تجمعی در شهرها مشهد، سنندج، یزدانشهر و شاهین شهر اصفهان، میبید یزد و رباط کریم تهران - حمایت طیف وسیعی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی، ورزشی و هنری همچون حامد بهداد هنرپیشه سینما و تلویزیون، داریوش اقبالی، فرامرز اصلانی، ماز جبرانی، ابی، احمد رضا

عابدزاده دروازه بان سابق تیم ملی و پرسپولیس، وریا غفوی، علی کریمی، جواد نکونام و یحیی گل محمدی و انتشار کلیپ های مردمی در حمایت از مردم خوزستان

- حمایت مردم در متروی گلشهر کرج از خیزش خوزستان با شعار "سپاهی حیا کن مملکتو رها کن".

- تجمع شماری از مردم سنندج در شامگاه چهارشنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۰ دست به تجمع اعتراضی در حمایت از مردم خوزستان و تیراندازی هوایی نیروهای نظامی برای متفرق کردن مردم معترض

- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

چهارشنبه ۳۰ تیرماه جمعی از هنرمندان و بازیگران سینما و تئاتر در حمایت از اعتراضات مردمی در خوزستان مقابل ساختمان خانه هنرمندان تهران دست به تجمع و سخنرانی زدند.

- حمایت شماری از زندانیان سیاسی از درون زندانها از جمله پیام علی نوری زاد زندانی سیاسی از زندان تهران بزرگ

- شعار نویسی بر در دیوار شهرهای مختلف در حمایت از مردم خوزستان از جمله در شهرهای اردبیل، تهران و قزوین

- خانه موسیقی ایران: خوزستان پاره ی تن ایران است و ایران تشنه و خسته از ظلم و بی عدالتی در جهان امروز بیش از هر چیزی نیاز به اتحاد و همدلی دارد. - رامهرمز، پرفورمنس خاک خشک و گلوله سهم خوزستان از منابع نفتی و گاز

- پیام آتنا دائمی، فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام از زندان لا کان رشت: خوزستان جان می دهد تا آب بگیرد، حکومت جان می گیرد تا آب دهد

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۴

گزارشات تصویری تجمعات حمایتی از مبارزات کارگران و مردم مبارز خوزستان در شهرهای اروپا و کانادا



مالمو - سوئد

و اعتصابات کارگران و مال باختگان، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و دانشجویان در این 43 سال است. در داخل باید این اعتراضات رابه اعتصابات و اعتراضات سراسری تبدیل کرد و در خارج نیز باید علاوه بر اعتراضات دولت های مدعی دموکراسی را مجبور کرد که رژیم اسلامی را بایکوت سیاسی، نظامی، ورزشی و حتی سران رژیم و سپاه را تحریم اقتصادی هم کرد. همان کاری که جهان با دولت آفریقای جنوبی قبل از سرنگونی اش کرد. چون آن رژیم رژیم تبعیض نژادی بود و رژیم اسلامی علاوه بر همه ی جنایت هایش رژیم تبعیض جنسی نیز می باشد.

بابک یزدی
تورنتو - کانادا

جریانات مختلف سیاسی ایرانی در این برنامه سخنرانی کردند. و خواستار بایکوت، اخراج، و همچنین سرنگونی رژیم اسلامی شدند.

در این برنامه علاوه بر سخنرانان فوق و فریاد شعارهای سرنگونی طلبانه و آزادیخواهانه ای که مردم پس از بابک یزدی تکرار می کردند، حامد اسماعیلیون از طرف خانواده های قربانیان پرواز اوکرایینی، بابک یزدی از طرف حزب کمونیست کارگری و سهیلا دالوند نیز از کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ایران سخنرانی کردند.

بابک یزدی در بخشی از صحبت های خود اشاره کرد که "خواست مردم خوزستان فقط آب نیست و در ادامه مبارزات

گزارشی از تظاهرات بیش از هزار نفر از مخالفین رژیم اسلامی در تورنتو

به همت رضا مریدی در "حمایت از مردم خوزستان" فراخوانی برای روز جمعه 23 جولای در میدان مل لستمن در تورنتو داده شده بود.

حزب کمونیست کارگری ایران و احد شرق کانادا نیز در ادامه کمپین یک هفته حمایت از مردم خوزستان یکی از فراخوان دهندگان و سازماندهندگان این برنامه بود. در این برنامه جمعیتی بالغ بر هزار نفر شرکت کرده و علیه رژیم اسلامی شعار داده و خواستار سرنگونی این رژیم شدند. برخی از نمایندگان مجلس کانادا و اناریو و همچنین نمایندگان احزاب و

ونکوور - کانادا



استکهلم - سوئد



یوتبری - سوئد



ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۵

فرانکفورت آلمان، مقابل کنسولگری ایران



شانزدهمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه



روز ۶ مرداد کارگران نیشکر هفت تپه برای شانزدهمین روز برای پیگیری مطالبات خود در محل سنگر جمع شدند و بعد بطور نمادین در محوطه شرکت راهپیمایی کردند. در این راهپیمایی کارگران با شعار کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد، صدای اعتراض خود را بلند کردند. یک شعار قابل توجه دیگر کارگران نیشکر هفت تپه در این روز شعار زیلابی زیلابی حمایت میکنیم بود که در حمایت از وکیل خود فرزانه زیلابی که بخاطر دفاع از کارگران هفت تپه برای وی پرونده سازی شده است بود. در تجمع امروز نیز کارگران بر تک تک مطالبات خود و در صدر آن بر تعیین تکلیف وضعیت مالکیت شرکت

پیش به سوی اعتصابات
سراسری

حزب کمونیست کارگری
ایران

۶ مرداد ۱۴۰۰، ۲۸ ژوئیه
۲۰۲۱